

علل تنوع گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران

ایران (۵۷ - ۱۳۴۲)

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته علوم سیاسی

توسط:

مریم نظری علی آبادی

دکتر علیرضا ازغندی

استاد راهنما:

شهریور ماه ۱۳۷۶

1249/2

۲۴۳۸۵

برگ تأییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: علل تنوع گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران ایران (۵۷-۱۳۴۲)

نام دانشجو: مریم نظری علی آبادی

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه ۷۶/۵/۲۹ با نمره ۱۶/۵ و درجه خوب مورد تأیید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

دکتر علیرضا ازغندی استاد راهنما

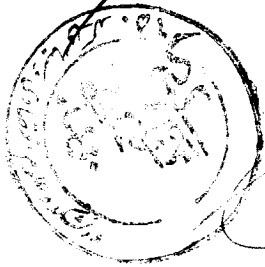
امضاء:

دکتر عبدالعلی قوام استاد مشاور

امضاء:

دکتر محمد باقر حشمت زاده استاد ناظر

امضاء:



۲۴۳۸۸

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی آبان ۷۵ تا مرداد ۷۶ به انجام رسیده است. به استثناء کمکهای مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.

مریم نظری علی آبادی

شهریور ماه ۱۳۷۶

تقديم به پدر و مادرم

سپاسگزاری

در تهیه و تکمیل این پایان‌نامه از کمکها و راهنمایی‌های بی‌دریغ استادان محترم جناب آقای دکتر علیرضا ازغندی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر عبدالعلی قوام به عنوان استاد مشاور بهره برده‌ام. بدون شک بدون استفاده از پیشنهادات و نظریات ایشان انجام این مهم ممکن نمی‌گردید. در اینجا از زحمات و توجه صمیمانه ایشان سپاسگزاری می‌نمایم.

چکیده

عنوان پایان نامه: علل توزیع گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران ایران (۵۷ - ۱۳۴۲)
نام دانشجو: مریم نظری علی آبادی
استاد راهنما: دکتر علیرضا ازغندی
دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی
تاریخ ارائه پایان نامه: شهریور ماه ۱۳۷۶

روشنفکران به عنوان یک گروه فرهنگی حافظ همبستگی در جوامع هستند. بنابراین اینکه چه عامل یا عواملی باعث ایجاد تنوع گرایشهای سیاسی آنان می شود حائز اهمیت می باشد. در ایران طی سالهای ۵۷ - ۱۳۴۲ علل چندی در این زمینه دخیل بوده اند اما مهمترین این علل از نظر ما منافع طبقاتی آنان می باشد.

پیدایش و توسعه سرمایه داری در جامعه ایران بدنبال پیدایش و توسعه تحصیل کرده ها و روشنفکران صورت گرفت. توسعه اقتصادی گسترش نظام آموزشی را اجتناب ناپذیر ساخت و مراحل مختلف توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی همراه با ایجاد گروههای اجتماعی جدید شد. آموزش و پرورش از انحصار اشراف و طبقه بالا خارج گشت و فرزندان گروهها و طبقات مختلف اجتماعی (بازاریان و تجار، روحانیان، کارگران، روستائیان و ...) به مراکز آموزش عالی راه یافتند و از آنجا که روشنفکران از درون طبقه ای متجانس و همگون برنمی خاستند و دارای خاستگاههای اجتماعی و طبقاتی متفاوت بودند لذا دارای ایدئولوژی واحد و مستقلی با منافع طبقاتی مشابه و معینی نیز نبودند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	سپاسگزاری
	چکیده
۱	پیشگفتار
۲-۶	مقدمه
۷-۱۶	مبحث نظری
	فصل اول: تعریف مفاهیم و متغیرها
۱۷	الف: بررسی لغوی واژه روشنفکر
۱۸-۲۳	ب: بررسی مفهومی واژه روشنفکر
۲۳-۲۶	ج: مفهوم روشنفکر در جامعه ایران
۲۶-۲۷	د: نقد و بررسی
	فصل دوم: چگونگی شکل‌گیری گروه روشنفکر
۲۸-۳۱	الف: توسعه سرمایه‌داری و پیدایش روشنفکران
۳۲-۵۱	ب: نگرشی تاریخی به تاثیر و نقش تحصیلات در پیدایش روشنفکران
۵۲-۶۰	فصل سوم: نظریات مختلف در باب علل سیاسی شدن روشنفکران
	- توکویل
	- شیلز

- بریم
- گولدنر
- جلال آل احمد
- گرامشی
- مانهایم

فصل چهارم: علل تنوع گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران ایران

۶۱-۶۲	الف : شکافهای اجتماعی
۶۲-۶۵	۱- تمیزه شدن
۶۵-۶۸	۲- عوامل جمعیتی
۶۸-۷۰	۳- شکاف تاریخی و تمدنی
۷۰-۷۴	۴- شکاف قومی
۷۴-۷۶	۵- شکاف فرهنگی
۷۶-۷۹	الف : فرهنگ سیاسی
۷۹	الف - ۱- عوامل محیطی
۸۰-۸۳	الف - ۲- عوامل روحی و فکری
۸۳-۹۵	ب : ساخت قدرت سیاسی
	ب : پایگاه اجتماعی روشنفکران
۹۵-۱۰۰	۱- رشد سرمایه‌داری در ایران و پیدایش گروههای اجتماعی
۱۰۰-۱۰۳	- طبقات اجتماعی
۱۰۳-۱۰۴	۱- بازاریان
۱۰۴-۱۰۶	۲- روحانیان

۱۰۶-۱۰۹	۳- کارگران
۱۰۹-۱۱۵	۲- علائق طبقاتی روشنفکران
	فصل پنجم: گرایشهای سیاسی جدید در ایران
۱۱۶-۱۲۵	الف: نسل اول روشنفکران
۱۲۵-۱۳۱	ب: نسل دوم روشنفکران
۱۳۱	۱- گرایش چپ‌گرایانه
۱۳۱-۱۳۴	الف - حزب کمونیست ایران
۱۳۴-۱۵۹	ب - حزب توده ایران
۱۵۹-۱۶۳	۲- ایدئولوژی اسلامی و مذهبی
۱۶۳-۱۷۸	۱- جلال آل احمد
۱۷۹-۱۹۴	۲- دکتر علی شریعتی
۱۹۴-۲۰۶	۳- آیت‌الله... مرتضی مطهری
۲۰۷-۲۱۱	نتیجه‌گیری:
۲۱۲-۲۱۳	ارزیابی نهایی: فهرست منابع

پیشگفتار

رساله حاضر پژوهشی است پیرامون علل تنوع گرایشهای سیاسی روشنفکران در دهه چهل و پنجاه. اینکه از لحاظ نظری و عملی تنوع گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران از چه منبع و عللی سرچشمه می‌گیرد از جمله مسائل مهم هر جامعه‌ای است. تمامی تحولات مهم و انقلابها در دنیا به دنبال یک تحول فکری - فرهنگی در میان مردم پدید آمده است و دلیل این امر نیز آن است که تا تغییر در اندیشه، روحیه و اخلاق مردم صورت نگیرد تغییری در مناسبات اجتماعی و فرهنگی آنان بوجود نخواهد آمد. روشنفکران ایران طی دوره‌های مختلف در بارور نمودن تفکر انقلابی و ایجاد تحول عمده در زندگی سیاسی - اجتماعی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند که البته نمودهای آن در زمانهای مختلف متفاوت بوده است. مثلاً عملکرد آنان در دهه‌های قبل با عملکرد آنان در دهه چهل و پنجاه قابل مقایسه نمی‌باشد بی‌آنکه تصور کنیم مطلقاً هیچ تاثیری از تحولات قبلی جامعه نپذیرفته‌اند

گروه روشنفکران در ایران در اثر یکسری تحولات در قرن نوزدهم میلادی شکل گرفتند و سپس در اواخر دهه پنجاه (۱۳۵۷) یکی از بارزترین نمونه‌های انسجام سیاسی خود را به نمایش گزاردند. اینکه چه گرایشهای سیاسی - اجتماعی عمده‌ای در میان گروههای روشنفکری در مقطع مورد نظر ما شکل گرفته و علائق طبقاتی آنان چه نقشی در این زمینه ایفا کرده؛ و اینکه چه شرایط و امکاناتی برای تحرک اجتماعی آنان در جامعه ایران وجود داشته و فرهنگ و ساختار سیاسی حاکم بر جامعه تا چه حد اجازه مشارکت سیاسی به طبقه روشنفکر را می‌داده است، همه از جمله سوالاتی است که این رساله قصد دارد به آنها بپردازد.

مقدمه

امروزه توجه و تعمق در مفهوم متغیرهای واسط و نقش و موقعیت و مصداقهای خاص آنها در جوامع مختلف و در چارچوب مکتب رفتارگرایی، رویکردی است نوین و مثبت که پژوهشگر علم سیاست را از افق محدود تعیین رفتارهای سیاسی براساس پایگاههای طبقاتی فرد رهائی می‌بخشد و به وی کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از عوامل مختلف که بر رفتار سیاسی مردم تاثیر می‌گذارد، بیابد و در پیچیدگی واقعیت زندگی اجتماعی و تاثیراتی که بر سیاست واقع می‌شود امکان انتخاب آنچه را که قابل پیش‌بینی است، افزایش دهد.

روشنفکران یکی از نیروهای اجتماعی هستند که رفتار سیاسی آنان می‌تواند منشاء اثر سیاسی باشد و دخالت آنها در زندگی سیاسی بر شدت و ضعف قدرت طبقات بالا اثر می‌گذارد. از سوی دیگر به عنوان یک گروه فرهنگی عامل حفظ همبستگی ارزشی در هر جامعه محسوب می‌شوند. بنابراین مشخص نمودن اینکه علل گرایشهای سیاسی آنان چیست اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. اما از آنجا که آنها نیروی مشخصی نیستند اختلاف نظر زیادی در مورد تعریف آن وجود دارد. در ایران، غالباً با تاثیر از تعاریف غربی از روشنفکران، تعاریف گوناگونی در این باب براساس مبانی‌های متفاوت عرضه شده است که طیف وسیعی از پایگاه طبقاتی، میزان تحصیلات، میزان آشنائی با علوم جدید، آشنائی با زندگی و فرهنگ غربی و ... را در بر می‌گیرد.

در فرایند تاریخی شکل‌گیری اصطلاح روشنفکران، این عنوان به گروه‌های مختلفی نسبت داده شده است. در برهه‌ای از تاریخ روشنفکران مذهبی بودند، خصوصاً که به امر آموزش اشتغال داشتند (هرچند که روشنفکر یک اصطلاح و مفهوم مذهبی نیست) یک نقطه کافی است بعدها دایره روشنفکری شامل اشرافیت زمیندار و آشنا با فرهنگ و زندگی غربی شد. با بروز تحولات جدید و توسعه اقتصادی ایران و آموزش و تحصیل به شیوه جدید و پیدایی طبقه متوسط جدید، روشنفکران نیز به نخبگان طبقه متوسط جدید اطلاق گردید. صرفنظر از دایره مشمولان این

اصطلاح، عموماً روشنفکر به افرادی که دارای آگاهی و تعهد اجتماعی باشند اطلاق شده است^(۱). تعریف ما از روشنفکران به شرح زیر است:

" روشنفکر فردی است تحصیلکرده خواه دانشگاهی یا غیر دانشگاهی، دارای ایدئولوژی و آگاهی طبقاتی و اجتماعی که همواره به تعقل و تفکر در امور جامعه و سیاست و فرهنگ می‌پردازد و وضع موجود سیاسی - اجتماعی را به نقد می‌کشد و در نهایت فلسفه‌ای جدید برای زیستن ارائه می‌دهد. "

براساس این تعریف، نه تنها افرادی را که تحت تاثیر تحولات غرب " روشنفکر" نامیده می‌شوند در این جرگه قرار می‌دهیم بلکه آن دسته از روحانیانی را که در اثر دگرگونیهای فکری دچار تحولاتی شده‌اند و بانگرشی نو به عرصه اجتماعی - سیاسی وارد گشته‌اند را نیز مشمول این تعریف می‌گردانیم.

از عوامل ایجاد محدودیت یا گسترش حضور روشنفکران در هر جامعه، فرهنگ سیاسی و ساختار سیاسی آن جامعه است. فرهنگ و ساختار سیاسی ایران همواره و در آن دوران سنتی بوده و گروههای اجتماعی مجالی برای مشارکت سیاسی نمی‌یافتند. در نتیجه راههای شرکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی بسیار محدود بوده است و محدوده و شیوه فعالیت و اعتراض برای روشنفکران عمدتاً به راههای غیر موثر منحصر می‌شد. یکی از این راهها که البته شیوه‌ای رایج و پراهمیت نبود و بیشتر یک راه خصوصی تلقی می‌شود، برگزاری محافل دوره‌ای بود. " شرکت کنندگان در این محافل تقریباً همه با نقش خودکامه شاه مخالفت بودند. دوره‌ها محلی بودند که در آن اندیشه‌ها و نظریات سیاسی آزادانه و بدون ترس از مداخله بیان می‌شد. اما مخالفت اندیشمندان که با این وضوح و روشنی در محافل محصور بیان می‌شود برای توده‌های

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: جلال آل احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران: خوارزمی،

* (۱)

بزرگ کارگران و کشاورزان باسواد بیان نمی‌شود.

بنابراین کانال و طریقه فعالیت روشنفکران خصوصاً ی بوده و دایره شمول آن افراد مختلف را دربرمی‌نمی‌گرفت. اما توجه به تاریخ سیاسی ایران در قرن ۲۰ روشن می‌کند که در دهه‌های اخیر تا حد زیادی در نگرش‌های سنتی فوق‌الذکر خصوصاً در باب حکومت تحولاتی صورت گرفته است. اولین نشانه‌های تغییر نگرش سنتی در باب حکومت و تقاضا برای مشارکت سیاسی مردم را در اوایل قرن بیست و با انقلاب مشروطه می‌بینیم که در اثر آن سیستم سیاسی ایران در حد وسیعی از حکومت خودکامه و سلطنتی به حکومت مشروطه تغییر می‌یابد. اما این تغییر شکلی بوده و عملاً سیستم گذشته حفظ می‌گردد و این ساختار تا پایان عمر حکومت پهلوی علیرغم تحولات و تعدیلات قانونی و پیدایی حرکت‌های مردمی و تقاضای شرکت مردم در امور سیاسی در دوره‌های خاص (مثل ملی شدن صنعت نفت) همچنان ادامه یافت.

بررسی گروه‌های روشنفکری در ایران نشان می‌دهد که هر بخشی از آنها قرابت و نزدیکی اجتناب‌ناپذیری با مجموعه‌ای از منافع و علائق طبقاتی دارند. به عبارت دیگر خصال و پایگاه‌های طبقاتی آنها تعیین‌کننده گرایش‌های ایدئولوژیک آنها می‌باشد. در ایران دوران پهلوی خصوصاً بین سالهای ۴۰-۵۷ یک سلسله رفرمها و تحولات در جهت تجدید بنای ساختارهای سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی صورت گرفت. توجه به امر توسعه و اقدام به پیشرفت اقتصادی و تکنولوژیکی از اوایل قرن بیستم از یک سو منجر به پدید آمدن گروه‌های جدیدی در دهه‌های چهل و پنجاه شد و از سوی دیگر کسب آموزش جدید برای جامعه ایران را ضروری ساخت. به این ترتیب جامعه ایران، در این دوران، وارد مرحله پیچیده‌تری شد. گروه‌های اجتماعی نوظهور نیازهای آموزشی جدید مطرح کردند و این امر به ایجا دگرگونی‌های بنیادی

* - مانند دوره‌هایی که علی فرمانفرمایان مدیر شرکت نفت با خانواده فرمانفرمایان، سیروس

غنی، پزشک و دانشمند و حسین مهدوی از رهبران جبهه ملی برگزار می‌کردند.

۱ - علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،

بی‌تا، ص ۲۰۳.

در نظام آموزش و پرورش منتهی گردید.

به عبارت دیگر در دهه های ۵۷-۱۳۴۲ تاریخ ایران، در اثر توسعه سریع اقتصادی و پیدایش نیازمندیهای جدید تحولاتی در سیستم آموزشی و پرورش و ساختار فکری و سیاسی کشور صورت گرفت و در نتیجه فضای فرهنگی جدیدی بر کشور حاکم گردید که بر اثر آن در محورهای مختلف تحول فرهنگ سیاسی و ساختار سیاسی را ملاحظه می‌کنیم. دانشگاهها به روی فرزندان تمام طبقات (بازاری و تاجر، روستائی، کارگر و... گشوده شد و به تبع آن جو روشنفکری در ایران دچار تحولات اساسی گشت و گرایشهای سیاسی متفاوت از سوی این گروههای جدید امکان بروز یافت.

سوال اساسی که در این رساله در صدد پاسخ به آن هستیم این است که چه عامل یا عواملی باعث ایجاد تنوع در گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران ایران بوده است؟ پیدایش تنوع و تفاوتهای فکری و عقیدتی، شکل‌گیری ایدئولوژیهای جدید همه جا نیازمند پیدایش شرایط خاصی است. مسلم است که پیدایش روشنفکران و انجام کارویژه‌های روشنفکری بعنوان کانالهای نظارت اجتماعی و حفظ حدود آزادیهای مردم و کنترل قدرت دولت مستلزم وجود شرایطی همچون پیدایش و گسترش تقاضای مشارکت، تحول در نظام اقتصادی، پیدایش گروههای جدید اجتماعی، نوسازی اجتماعی و رشد افکار عمومی و پیدایش فرهنگ سیاسی مشارکتی است که همگی عمدتاً به ساخت داخلی جامعه ارتباط دارند.

در سراسر این رساله مراد از "ایدئولوژی" یک سیستم منسجم فکری است که بر اساس آگاهی به منافع و جایگاه طبقاتی و اجتماعی فرد شکل می‌گیرد و نمایشگر گرایش اوست نسبت به ساختارهای سیاسی، اجتماعی، ... جامعه.

فرضیه ما در این تحقیق این است که علت تنوع گرایشهای سیاسی در میان روشنفکران ایران، طی قرن بیستم (۵۷ - ۱۳۴۲)، علائق طبقاتی آنها بوده است. البته علل دیگری همچون تمیزه شدن افراد، عوامل جمعیتی و فرهنگی و... نیز در ایجاد این پدیده نقش داشته‌اند. اما به نظر ما به

این دلیل که گروه‌های روشنفکری نیروی پایه بگانه‌ای ندارند و نمی‌توان منشاء آنها را در یک تقسیم‌بندی طبقاتی جست‌وجو کرد و مدافع علائق و منافع متفاوتی و نیز گرایش‌های سیاسی متفاوت می‌باشند.

گرچه معمولاً فرض بر این است که توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و تحولات ناشی از آنها به صورت خودکار زمینه تنوع گرایش‌های سیاسی را در میان روشنفکران فراهم می‌کند؛ استدلال ما این است که این عامل و تبعات ناشی از آن صرفاً نقش عوامل لازم را در ایجاد این پدیده بازی کرده‌اند و عامل نهایی و تعیین‌کننده آن را باید در پایگاه اجتماعی و علائق طبقاتی روشنفکران در آن دوران جست‌وجو کرد. زیرا بدنبال بروز برخی تغییرات لازم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی باپیدایش و گسترش گروه‌های اجتماعی مواجه می‌شویم و این امر منجر به بزرگ شدن دایره روشنفکری و ایجاد تحول و تنوع در فضای فکری آن دوران شده است.

در این رساله با استفاده از شواهد تاریخی و روش توصیفی تحلیلی درصدد آزمون فرضیه فوق هستیم. در فصل اول و پس از مقدمه به بحث نظری و تعریف مفاهیم و متغیرها می‌پردازیم. فصل دوم دربرگیرنده نحوه شکل‌گیری روشنفکران در اروپا و ایران می‌باشد و نیز نقش مدرنیزاسیون و گروه‌های اجتماعی را در این فرایند مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فصل سوم مروری کلی داریم بر نظریات مختلف در خصوص علت یا علل سیاسی شدن روشنفکران. طبعاً اختلاف نظر در این زمینه همچون سایر مباحث جامعه‌شناسی سیاسی بسیار است. فصل چهارم مصادیق و نمونه‌های گرایش‌های سیاسی نوین در ایران را بردارد. در فصل پنجم به علل تنوع گرایش‌های سیاسی روشنفکران در ایران می‌پردازیم و سپس در فصل ششم یا فصل نهائی نتیجه‌گیری و ارزیابی نهایی آورده می‌شود.